تدوین تکوین در قرآن
معنای کامل از سبعه احرف

شاگرد: حرف به‌معنای نوع به کار برده می‌شود؟

استاد: در اینکه این وجه درست است یا نه، جلوتر عرض کردم. طبق آن چیزی که ما مباحثه کردیم، این وجوه سبعه احرف که در المیزان چهل مورد است و در خیلی از جاها تا هفتاد مورد هم هست، اما شاخص این وجوه همین‌هایی است که از قدیم گفته‌اند. هیچکدام از اینها معنای اصلی سبعه احرف نیست. این را عرض کرده بودم. سبعه احرف به وزان «اجری جمیع الاشیاء علی السبعه» است. پس چون قرآن کریم تدوینی تکوینی است، خدای متعال کتابش را به ولیّ‌خودش داده، کل عالم را داده است. چون کتاب، تدوینی تکوینی است. «اعلم ذلک من کتاب الله». اینها مطالب مهمی است. مکرر عرض کردم اگر ما از بیانات ثقلین جوهره قرآن را ندانیم، همه این بحث‌های ما تا آخر ابتر است. یعنی می‌رویم و بر می‌گردیم و به غموض می‌رسد و سنگین می‌شود. اما اگر تحت یک نظام روشنی باشد که خود قرآن کریم و اهل البیت علیهم‌السلام می‌گویند که قرآن چیست، وقتی جوهره آن معنا شد، آن وقت سبعه احرفی که به وزان سبعه تکوینی است، هیچ مشکلی ندارد. و بر این سبعه احرف به این معنا، همه قرائات متفرع می‌شود. ولو پانصد تا باشد. یا بر آن مختارها متفرع می‌شود. همان مختاری که جلسه قبل عرض کردم ابوالفضل رازی گفت به تعداد امت اسلامیه می‌توانیم مختار داشته باشیم. لذا این هفت تا به‌معنای هفت قرائت نیست.

ابن جزری که تخصص کار داشته، می‌گوید «ولا زلت أستشكل هذا الحديث وأفكر فيه وأمعن النظر من نيف وثلاثين سنة[1]»؛ این حدیث سی سال در ذهن من حالت اشکال داشت. ببینید او می‌دید که جور در نمی‌آید. یعنی با اطلاعاتی که داشت نمی‌توانست آن را صاف کند. آخرین چیزی که می‌گوید خدا به من داد و قانع شدم، همین حرف ابن قتیبه است که نزدیک به آن است. اینها را در النشر مباحثه کرده‌ایم و فایل های آن هم موجود است. مقدمه النشر را تا پایان کتابها که رسیدیم مباحثه کردیم. همین بیان ابن جزری را قانع کرده است. یعنی همینی که شیخ الطائفه می‌گوید اصلح الوجوه است، ابن جزری هم قانع می‌شود و می‌گوید بهترین معنای حدیث همین است. خب اگر ابن جزری سراغ معنای مطابقت تکوینی و تدوینی می‌رفت، بیشتر قانع می‌شد. الآن وجهی که ابن جزری گفته هرگز به این معنا نیست که در یک واژه باید هفت قرائت داشته باشیم. بلکه ابن جزری می‌گوید به‌معنای هفت نوع ممکن از اختلاف است. وقتی به یک واژه می‌رسیم یک جور خوانده شده ای دو جور خوانده شده، ده جور خوانده شده ای پانصد جور خوانده شده، اینها با حرف او منافاتی ندارد.

یعنی ابن جزری خودش را از مسأله اختلاف قرائات در معنای سبعه احرف راحت کرده است. دیگر نمی‌گوید سبعه احرف به‌معنای اختلاف قرائات است. می‌گوید به‌معنای سبع انواع ممکن از اختلاف است. این خیلی خوب شده. زمینه را برای او باز می‌کند.

امروز به ذهنم بود با امکاناتی که حالا هست، کاری شود؛ مرحوم شهید اول در ذکری الشیعه و فضای فقه شیعه، تواتر قرائات عشر را مطرح کرده است. بعد از ایشان هم مفصل بحث شد از مخالفین و

موافقین ایشان. الآن در زمان ما با امکاناتی که هست پروژه‌ای شروع شود تا ادعای شهید اول را محک بزنند. ببینند شهید با اطلاعاتی که در آن زمان داشتند، حرفشان چطور است. الآن امکانات در دست ما زیاد است، این همه کتابها و نرم‌افزارها هست. اینها را محک بزنند که در ذهن شهید چه چیزی بوده که گفته اند عشر متواتر است. همین جور بگوییم شهید اول این را گفته اند اما سهو السان ای قلم شده! ای بگوییم از این جزی متأثر هستند! علامه که جلوتر هستند را می‌گویند از عامه متأثر هستند. درحالی‌که اینطور نیست که شهید اول از این جزی متأثر بوده باشد!

---

[1]النشر في القراءات العشر (١/ ٢٦)

بازبینی #2
ایجاد شده 1 مه 2024 13:16:01 توسط ... .
به روزرسانی شده 5 ژوئن 2024 14:02:04 توسط ... .